

بیانیه نهضت آزادی ایران به مناسبت

اولین سالگرد شهادت سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا.
لیجزی الله الصادقین بصدقهم ...

(احزاب/۲۲)

یک سال از شهادت پرافتخار دکتر مصطفی چمران در جبهه‌های جنگ علیه نیروهای متجاوز ارتش بعث عراق می‌گذارد، شهادتی که قلب شیفتگان راه حق، آزادگی و عدالت را آتش زد، دل دشمنان اسلام و ایران را شاد ساخت و به یاوه سرایی‌های دشمنان دانا و دوستان فریب‌خورده پایان بخشید.

برای بسیاری از مردم حتی یکسال پس از شهادت، شخصیت این سردار رشید اسلام در پرده‌ای از ابهام پوشیده است. بزرگواری و وارستگی چمران به حدی بود که در زمان حیات کمتر در معرفی خود، دفاع از خویش و یا پاسخگویی به تهمت‌ها و افتراهایی که چون سیل به سوی سران بر می‌کوشید. او معتقد بود در محیط ملت‌هت و جوزده بعد از انقلاب تنها می‌توان با مجاهدت، ایثار، فداکاری و استقبال از شهادت برای دیگران الگو ساخت. دریغ می‌آمد این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز را در پاسخگویی به یاوه‌سرایی‌های این و آن صرف کند. شاید به همین دلیل است که شخصیت والای او جز برای هم‌زمانش ناشناخته مانده است اینک که او به لقاءالله پیوسته است ما به خود اجازه می‌دهیم یک سال پس از شهادتش مختصری درباره او سخن بگوییم.

اگر این واقعیت را بپذیریم که در تاریخ ملت‌ها، گهگاه شخصیت‌هایی در حساس‌ترین روزها پا به عرصه فعالیت گذاشته و ظایفی را به عهده می‌گیرند که گویی سال‌ها برای انجام آن تربیت شده و برای چنین روزهایی تجربه دیده‌اند، باید بگوییم دکتر چمران بهترین نمونه این گونه شخصیت‌ها بود. تو گویی پروردگار علیم قدیر وی را برای نقش ویژه و سرنوشت‌سازی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران ذخیره کرده و کلیه استعدادها، خصائص و تجربیات لازم را به وی عطا فرموده بود تا در حساس‌ترین لحظات تاریخ این جمهوری در عرصه ظاهر شود و نقش سازنده خود را ایفا کند. آنچه گفتیم بدان معنی نیست که چمران پس از انقلاب برای اولین بار در صحنه مبارزه و فعالیت سیاسی قدم نهاد و پیش از آن عنصری گوشه‌نشین و کناره‌گیر بود. منظور آن است که همه تجربیات سیاسی و استعدادهای او به صورتی بود که گویی برای روزهای پس از انقلاب تربیت شده است و گرنه برای ما روشن است که چمران از روزی که خود را شناخت وارد صحنه مبارزه علیه استبداد، استعمار و بیدادگری شد. ما از آن روزها وی را در فعالیت‌های مبارزاتی و سیاسی دنبال کرده و شاهد و ناظر و همراهش بوده‌ایم. چمران از یاران باوفای نهضت، از شاگردان مهندس بازرگان، از پایه‌گذاران نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، معاون

نخست‌وزیر و وزیر دفاع در دولت موقت بود. ما او را خوب می‌شناسیم و می‌خواهیم شما هم او را بشناسید.

سوابق مبارزاتی چمران

دکتر چمران مبارزه و فعالیت سیاسی و اجتماعی خود را از سال‌های آخر که در دبیرستان البرز به تحصیل اشتغال داشت شروع کرد. در دوران دانشجویی خود در دانشکده فنی، از اعضای فعال و متعهد انجمن اسلامی دانشجویان بود. بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ که طبق طرح و نقشه آمریکا و انگلیس دولت ملی و قانونی دکتر مصدق را ساقط ساخته، شاه فراری را بر تخت سلطنت بازگرداند، چمران به صفوف نهضت مقاومت ملی پیوست و در تمامی فعالیت‌ها، مبارزات، اعتصابات، راه‌پیمایی‌ها، فعالانه شرکت کرد.

در خارج از کشور، چمران ارتباط عقیدتی، سیاسی، تشکیلاتی خود را با دوستان نهضتی‌اش حفظ کرده و علیرغم تحصیل و اشتغال در آمریکا لحظه‌ای از مبارزه علیه استبداد پهلوی و تلاش در راه انعکاس مبارزات حق‌طلبانه ملت قهرمان ایران غفلت ننمود. چمران در بوجود آوردن و جهت دادن به جنبش نوین دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در سال‌های ۱۳۴۰ به بعد و تشکل آنها و تأسیس کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در مراحل اول نقش عمده و اساسی داشت و به همین دلیل به عضویت افتخاری - دائمی شورای عالی آن انتخاب شد. چمران همچنین از مؤسسين جبهه ملی آمریکا و عضو شورای مرکزی و هیأت اجرائیه آن بود. در سال ۱۳۴۱، وقتی قرار شد که نهضت آزادی ایران در خارج بوجود آید، چمران همراه با دوستان هم‌زمش، همچون دکتر علی شریعتی، از مؤسسين اولیه آن بود.

بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، چمران همراه دوستان نهضتی‌اش به تلاش برای تدارک جنگ مسلحانه علیه رژیم شاه دست زد و در همین راه بود که برای دریافت آموزش‌های لازم و ایجاد امکانات ضروری با این دوستان به مصر رفت. وی مدتها در خاورمیانه فعالیت کرد و هنگامی که رژیم شاه امام خمینی را از ترکیه به نجف تبعید کرد، چمران و این گروه کوچک از اولین ملاقات‌کنندگان با امام بودند. در این زمان امام موسی صدر فعالیت خود را در جهت شخصیت بخشیدن به شیعیان جنوب لبنان آغاز کرده بود و در جستجوی مردی بود که بتواند مجتمع تعلیمات حرفه‌ای و تربیتی شهر صور را اداره کند. مشورت با آقای مهندس بازرگان موجب معرفی چمران برای قبول این مسئولیت شد و این خود فصل جدیدی در زندگی چمران و فعالیت‌های امام صدر پدید آورد.

چمران از آن پس، تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کنار امام موسی صدر به آموزش فنی، سیاسی، عقیدتی شیعیان لبنان و فلسطینیان و بیدارسازی و بسیج شیعیان لبنان و کمک به آوارگان فلسطینی پرداخت. به دنبال همین همکاری‌ها و فعالیت‌ها بود که بالاخره مجلس اعلای شیعیان، جنبش حرکت المحرومین و سازمان امل (امواج المقاومة اللبنانیة) بوجود آمدند. و برای اولین بار در تاریخ قرن اخیر، شیعیان لبنان، شرف و حیثیت و افتخار خود را باز یافتند و با بازگشت به خویشتن خویش و احراز شخصیت انسانی - اسلامی خود، به مقابله با اسرائیل و دفاع از سرزمین‌های خود و مقابله با نیروهای انحرافی از چپ و راست پرداختند.

این پیروزی‌های بزرگ، دشمنان اسلام و اعراب از چپ و راست را بر آن داشت که امام موسی صدر و

دکتر چمران و همراهان و همزمانشان را به عنوان دشمن اصلی و واقعی و خطرناک خود مورد انواع و اقسام اتهامات بی‌اساس قرار دهند. متأسفانه برخی دوستان نادان نیز در دام این تبلیغات و توطئه‌ها اسیر شدند و دست اندر دست دشمنان اسلام و مسلمانان، به توطئه برای ترور شخصیت چمران پرداختند. یک روز او را مأمور ساواک، روز دیگر جاسوس سیا و یا موساد و سومین روز قاتل تل‌زعت‌ر خواندند و با تبلیغات وسیع خود کوشیدند تا شخصیت والای چمران را در انظار توده‌های مردم مخدوش سازند.

توطئه علیه چمران تنها به ترور شخصیت او محدود و منحصر نبود. سازمان‌های مارکسیستی در لبنان، ساواک و اسرائیلی‌ها و مرتجعین همه به خون او تشنه بودند. و چندین بار برای قتل وی و مرادش امام موسی صدر توطئه‌چینی کردند. اگر چه توطئه ربوده شدن امام موسی صدر به نتیجه رسید اما به یاری خدا تلاش‌های آنان در مورد چمران یکی پس از دیگری نقش بر آب شد و علیرغم توطئه‌ها و تلاش‌ها، چمران موفق شد حرکتی بی‌سابقه با ابعادی گسترده در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی، نظامی در میان شیعیان لبنان و حتی فلسطینی‌ها بوجود آورد و امروز نام چمران و محبت او در دل فرد فرد شیعیان لبنان جای ویژه‌ای دارد و مردم لبنان در همه جا از او با عزت و احترام یاد می‌کنند و او را شخصیتی از خود و متعلق به خود می‌دانند و هزاران جوان مسلمان لبنانی، راه و رسم او را ادامه می‌دهند.

تلاش‌ها و مبارزات چمران در دوران تبعید و آوارگی در خارج از کشور نشان داد که برخلاف تصورات و تبلیغات واهی گروهی، صرف تحصیل یا اشتغال در کشورهای غربی به معنای فریفته شدن و خود فروختن به ارزش‌های غربی نیست. بلکه ممکن است آشنایی با غرب موجب شناخت مفاسد مادیگری و باعث پاکتر، روشن‌تر و مخلص‌تر شدن در راه خدمت به اسلام و ایران و مبارزه و انقلاب گردد. نشان داد که مرد خدا به هر کجا که رود جبهه جنگ و جهادش در آنجاست. برای مسلمان و موحد بودن نیازی به سرزمین خاصی نیست. در مرکز کفر جهانی و در درون جامعه‌ای نظیر آمریکا نیز می‌توان معیارها و ارزش‌های اسلامی را حفظ کرده و رنگ غربی نگرفت بلکه در آنجا نیز به انجام وظیفه و ابلاغ پیام الهی و تلاش برای پیروزی حق اقدام نمود.

چمران پس از پیروزی انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، چمران بعد از ۲۰ سال دربه‌دوری و آوارگی با کوله‌باری از تجارب و علم به میهن خود بازگشت. او می‌توانست این دانش و تجربه را که در جهان غرب خریدار فراوان داشت در خدمت خودخواهی و خویش‌بینی قرار دهد ولی از آغاز ترجیح داد که به جای خودپرستی و سودجویی هستی خود را در پای محرومان جهان فدا کند و جز در راه خدا و بندگان ستمدیده‌اش گام برندارد. سالها در کنار محرومان لبنان و ستمدیدگان فلسطینی به سر برد و پایه‌پای آنان - اگر نه پیشاپیش - با دشمن صهیونیسم جنگید. ولی سرانجام فرصتی یافت که در میهن خود به خدمت بپردازد و در دولت موقت نخست به عنوان معاون در امور انقلاب و سپس به عنوان وزیر دفاع آغاز به کار کند ولی تقدیر چنین بود که چمران عمر خود را در میدان جنگ به سر برد و در میدان جنگ شربت شهادت بنوشد.

چمران در جبهه‌های جنگ

سردار رشید اسلام دکتر چمران از اولین روزهای آغاز جنگ تحمیلی به جبهه رفت و به سازماندهی نیروهای داوطلب فرماندهی عملیات نامنظم علیه متجاوزین پرداخت.

رژیم بعث عراق در شرایطی به ایران حمله کرد که اختلافات و درگیری‌های اساسی در بالاترین سطح مملکت میان دولتمردان به طور جدی جامعه را به خود مشغول ساخته و در تمامی نهادها و ارگان‌ها از جمله نیروهای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران گسترش یافته بود. این وضعیت از عوامل اصلی حمله عراق به ایران بود. رژیم بعثی با توجه به چنین وضعیتی تصور کرده بود که می‌تواند برنامه‌های ضد انقلابی علیه جمهوری نوپای اسلامی را به اجرا درآورد.

باید گفت که رژیم بعثی عراق از بدو پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت به دنبال فرصت و بهانه برای حمله و تجاوز به ایران بوده است. در اسفند ماه ۱۳۵۷ هواپیماها و هلیکوپترهای عراق، دهات مرزی غرب ایران را بمباران کردند و این حمله و تجاوز غیر منتظره نبود. بررسی و توجه به تجربه تمام انقلابات جهان نشان می‌دهد که بعد از پیروزی حرکت انقلابی و شکست نیروهای پوسیده و کهنه و سقوط نظام ضد انقلابی و تأسیس نظام سیاسی و دولت جدید، حمله و تجاوز از خارج مرزها انجام شده است. حمله عراق در اسفند ۵۷ همزمان با جنگ و آشوب در کردستان و خوزستان و گنبد نشانه‌های بارزی از وجود چنین نقشه‌هایی و اجرای آنها علیه انقلاب اسلامی ایران بود.

در مورد حمله عراق به ایران و جنگ کردستان، مسئله مهم و حساس زمانی بود که برای اجرای آن انتخاب کرده بودند. هدف نه تنها حمله و تجاوز به ایران و ضربه زدن بر جمهوری اسلامی بود بلکه طراحان این برنامه زمانی را انتخاب کرده بودند (اواخر سال ۵۷ و اوائل سال ۵۸) که نیروهای مسلح مردمی هنوز یا سازمان نیافته بودند و یا از انسجام لازم برخوردار نبودند و جنگ تحمیلی در آن شرایط لاجرم ارتش را درگیر می‌ساخت. ارتش شاهنشاهی در برخورد و رویارویی با مردم در دوران انقلاب انسجام فرماندهی سنتی خود را از دست داده بود ولی هنوز تصفیه و تزکیه لازم در آن صورت نگرفته بود. توطئه آن بود که با تحمیل جنگ در آن برهه از زمان ارتش را به طور زودرس منسجم سازند و چه بسا در درگیری با ارتش متجاوز عراق، موجبات پیروزی‌اش را فراهم ساخته و سپس آن را به صورت ارتش منسجم، اما نه ارتش شاهنشاهی، بلکه ارتش جمهوری اسلامی ایران، که دفع خطر و تجاوز از ارتش خارجی نموده و با دفاع از تمامیت ارضی و جمهوری اسلامی مشروعیت یافته است بدون آن که تصفیه‌های ضروری صورت گرفته باشد، برای برنامه‌های احتمالی آینده حفظ نمایند.

واقع‌بینی و قاطعیت و حسن‌تدبیر دولت موقت این توطئه‌ها را خنثی ساخت. طی یک دیپلماسی حساب شده‌ای دولت موقت توانست دولت عراق را وادار سازد که طی یک یادداشت رسمی به دولت ایران بمباران دهات مرزی را یک «اشتباه غیر عمدی» از جانب نیروهای هوایی عراق قبول نموده و با معذرت‌خواهی از ایران پرداخت خسارت را بپذیرد. دولت موقت این موضع را پذیرفت و هیأت‌هایی از جانب دو دولت برای بازدید دهات مرزی و برآورد خسارت وارده تعیین و اعزام شدند. از نظر مقامات مسئول در دولت موقت با توجه به ماهیت رژیم بعثی عراق مسئله اساسی این بود که نباید با اعمال بی‌رویه و حساب نشده به آنها بهانه داد بلکه بر عکس از موضع قدرت و با واقع‌بینی باید جلوی توطئه را گرفت. همه می‌دانند که دولت موقت در این امر موفق شد و توطئه در آن مرحله عقیم ماند. گذشت زمان به انقلاب امکان داد تا از نظر سیاسی با اجرای رفراندوم، تدوین و تصویب قانون اساسی و انجام انتخابات، و از جهات نظامی، بسیج و سازماندهی نیروهای مسلح مردمی سپاه پاسداران، و تصفیه و تزکیه لازم در ارتش قدم‌های اساسی را در

تثبیت نظام جمهوری بردارد. به طوری که وقتی ارتش عراق در شهریور ۵۹ بالاخره برای اجرای توطئه حمله را آغاز کرد. اگر چه جو سیاسی حاکم بر مملکت بسیار متشنج بود، اما تحولات درونی در انقلاب آنچنان بود که توانست در شرایطی به مراتب مساعدتر و مناسبتر از اسفند ۵۷ به مقابله با توطئه برخیزد. توطئه‌گران و دشمنان انقلاب اسلامی که نتوانسته بودند نقشه‌های خود را در دوره اول، زمان دولت موقت به اجرا درآورند، و مترصد فرصت مناسبی بودند، تصور کردند که جو سیاسی حاکم آنچنان است که آنها به راحتی خواهند توانست قسمت اعظم خوزستان و مناطق نفتی را اشغال و تصرف کرده در اختیار عناصر و گروههای ضد انقلاب بگذارند.

در ابتدای جنگ، ارتش دشمن به سرعت در تمامی جبهه‌ها پیش می‌آمد و به صورت یک خطر جدی انقلاب و جمهوری اسلامی نوپای ما را مورد تهدید قرار داد.

به دلیل جو سیاسی حاکم، نیروهای مسلح کارآیی لازم را در مرحله اول، از خود نشان ندادند لازم بود یک اقدام اساسی صورت می‌گرفت. در چنین شرایطی بود که چمران به جنوب رفت. رفتن چمران به جنوب مصادف شد با زمانی که خرمشهر در آستانه سقوط قرار گرفته بود. مقاومت نیروهای مسلح در آن منطقه به کلی از بین رفته بود و عراقی‌ها در تمامی جبهه‌ها به سرعت پیش می‌آمدند. چمران در اهواز مستقر شد تا نیروهای داوطلب را برای یک جنگ مردمی علیه ارتش متجاوز سازماندهی نماید، به نظر چمران و دوستانش، تنها راه مقابله مؤثر با ارتش متجاوز جنگ دراز مدت و فرسایشی مردمی بود.

چمران بلافاصله بعد از استقرار در اهواز با تنی چند از یاران نزدیکتر که از کردستان همیشه همراه او بودند، و برخی هم حتی از لبنان، اولین واحدهای مسلح مردمی را با وسایل ابتدایی و با حداقل تجربه سازمان داده و به مقابله با ارتش مغرور و سر تا پا مجهز عراق رفت و اولین ضربات کاری را بر آنها وارد ساختند به طوری که توانستند جلوی پیشروی نیروهای عراقی را در منطقه اهواز سد نمایند. در این عملیات چمران همه جا خود شخصاً حضور پیدا می‌کرد و عملیات را رهبری می‌نمود به این ترتیب استراتژی کلی جنگ دفاعی علیه متجاوزین عراقی معین و به اجرا گذاشته شد. جز این، یعنی به جز جنگ فرسایشی مردمی، امکان نداشت ما بتوانیم متجاوزین عراقی را از خاک میهن خود اخراج نماییم.

همانطور که قبلاً گفته شد بعد از پیروزی انقلاب دکتر چمران تمامی وجود خود را در اختیار انقلاب قرار داد و دعوت مهندس بازرگان را برای همکاری با دولت موقت پذیرفت. ابتدا به سمت معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب و سپس وزیر دفاع به کار پرداخت. در زمانی که وی هنوز معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بود، دایره جنگ در کردستان بالا گرفت و اشرار ضد انقلاب، جبهه متحد چپ و راست، به پایه حمله کردند، نیروهای جوان و تازه کار پاسداران مستقر در شهر به محاصره در آمده و شهر در معرض سقوط قرار گرفت. چمران از سوی دولت موقت به عنوان معاون نخست‌وزیر و کسی که تجارب فراوانی در امر جنگ‌های چریکی دارد به پایه رفت و با شجاعت و تدبیر و بی‌باکی بی‌نظیری محاصره را شکست و با کمک افراد خودی و دل دادن به پاسداران توانست مهاجمین را منکوب و پایه را از خطر سقوط نجات دهد.

ابتکار عمل چمران در کردستان موجب تحیر و تجلیل و تحسین دوستان و تجری و خصومت بیش از پیش دشمنانش شد. از آن پس حملات و اتهامات علیه او شدت گرفت. اما او بی‌اعتنا به حملات، به کار

سازنده خود ادامه داد. با تغییراتی که در ترکیب وزرای دولت موقت داده شد، چمران به سمت وزیر دفاع منصوب شد و کار اساسی خود را در تصفیه و تزکیه ارتش و بازسازی آن آغاز کرد. در این دوره چمران توانست خدمات ذی‌قیمتی به ارتش بنماید.

بسیاری از امرای ارتش که نمی‌توانستند خود را با ارزش‌ها و معیارهای انقلاب اسلامی تطبیق دهند از کار برکنار شدند. آن دسته از افسرانی که شرافتمندانه خود را در خدمت میهن و وطن می‌دانستند و آمادگی برای قبول ارزش‌ها و معیارهای جدید داشتند چمران توانست آنها را جذب کند اما نه جذب به خود، و ایجاد گروه قدرت، بلکه جذب به وظایف ملی و اسلامی و در خدمت میهن و جمهوری اسلامی. بسیاری از سران جدید ارتش، از جمله شهید فلاحی تحت‌تأثیر شخصیت ممتاز چمران راه خود را انتخاب کردند و با تمام وجود خالصانه خود را در خدمت به جمهوری قرار دادند و این مقدمات و آغاز تحول اساسی در ارتش گردید.

بعد از تشکیل مجلس و پایان دوران خدمت دولت شورای انقلاب، چمران به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب شد.

تجارب و خدمات چمران در سمت معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب در دولت موقت و وزارت دفاع در دولت موقت و دولت شورای انقلاب و عضویت در شورایی عالی دفاع به او امکان داد تا بتواند سهم خود را در تدوین استراتژی جنگ و همچنین ایجاد هماهنگی لازم در جبهه‌های جنگ میان برنامه‌ها و ستاد عملیات نامنظم و ارتش و سپاه پاسداران قدم‌های مؤثری را بردارد.

مهمترین نقش چمران در جنگ با عراق، در تبیین و تدوین و پیاده کردن استراتژی جنگ، یعنی جنگ مردمی با تمامی ویژگی‌هایش بود. در جنگ‌های کردستان، و مقابله با شورشیان ضد انقلاب، در اوایل امر، برخی از امرای ارتش و نیروهای انتظامی که آموزش و تجربه لازم در برخورد با شورشگری را نداشتند و رسوبات اعتقادی گذشته نیز قبول جنگ مردمی را برای آنها مشکل می‌ساخت و همچنین برخی از مقامات مسئول که ماهیت جنگ‌های شورشگری و ضد شورشگری را نمی‌دانستند، یا برنامه‌ها و پیشنهادات و طرح‌های چمران را برای مقابله با شورش در کردستان نمی‌پذیرفتند یا به سختی و اکراه به آن تسلیم می‌شدند. اما در جبهه جنوب و در جنگ علیه عراق چمران توانست درستی شیوه جنگ مردمی علیه عراق، و نه شیوه جنگ کلاسیک که ارتش را، در عمل نشان بدهد. علاوه بر این چمران توانست با تجربه‌ای که در ارتش پیدا کرده بود، و نیروهای مؤمنی که شناسایی و جذب انقلاب شده بودند، تلفیق بسیار مناسب و مساعدی از نیروهای مردمی و داوطلب با نیروهای ارتش کلاسیک بوجود بیاورد که در نهایت، همین ویژگی خاص باعث شد که ارتش صدام از پا درآید.

چمران معلم اخلاق بود

اثر حضور چمران در جبهه تنها آن نبود که علم و تجربیات خود را در عمل در خدمت جمهوری و انقلاب بکار گیرد، بلکه او معلمی بود که با حضور خود و رفتارهایش به دوستان و هم‌زمانش درس می‌داد. چمران تنها یک مرد جنگجو نبود. او عارفی بود سرشار از صفا و وفا، او در جبهه‌ها، عملاً به شاگردانش درس عشق و محبت، مقاومت، گذشت و فداکاری و سعه‌صدر را می‌داد. هم‌زمانش در جبهه‌ها، شخصیت واقعی او را می‌دیدند، درک می‌کردند، و به عنوان مرشد خود او را الگو و اسوه قرار می‌دادند. بی

جهت نبود که هر کس از نزدیک با او کار می‌کرد آنچنان تحت تأثیر شخصیت عمیق و جذاب او قرار می‌گرفت که بزودی منقلب می‌شد. خصوصاً در جوی که متأسفانه حب و بغض‌های فردی و گروهی بر روابط سیاسی حاکم شده است و معیارها و ارزش‌های والای اسلامی جای خود را به روش‌های تخریبی متأثر از تفکر و اندیشه غیر اسلامی تضاد دیالکتیکی استالینی داده است، روش چمران در برخورد با مسایل و جریانات بسیار آموزنده و کارآیی داشت و جذب‌کننده بود.

مظلومیت چمران

صداقت و پرکاری و تجارب و دانش گسترده و وسیع چمران و خدماتش در دولت موقت و سایر مسئولیت‌ها و همراهی با هم‌زمان دیرین، بسیاری را خوشایند نبود. عناصر و گروه‌ها هر کدام به دلیلی او را مورد حمله قرار دادند. مضمون همه این حملات، همان داستان‌های کهنه و فرسوده قبلی بود، اینجا نیز او را جاسوس موساد، سیا، قاتل تل‌زعترا، مسئول سقوط نبیعه و ... خواندند. پس از مسئله کردستان دروغ‌های جدیدی نیز اضافه کردند، که او عامل مسلح ساختن فئودال‌های کردستان و ... است او عامل قتل عام مردم کردستان است و ... می‌خواستند انتقام‌پایداری‌ها و شهادت چمران در کردستان و پاوه را بگیرند. گروه‌های مارکسیست، از هر خطی و در هر طیفی با او عنادی آشتی‌ناپذیر داشتند و به مصداق کافر همه را به کیش خود پندارد، او را به چیزهایی که فقط لایق خودشان بود متهم ساختند.

عناصر و گروه‌های غیر مارکسیست و حتی مدعی و متظاهر به اسلام نیز بیمارگونه با او و امام موسی صدر دشمنی نمودند. علیه آنها کتاب و مقاله نوشتند، وابستگان و ایادی همین گروه‌ها و عناصر بودند که نام دکتر چمران را همراه با هم‌زمان سالهای متمادی‌اش در لوحه‌ای به عنوان عوامل و ایادی آمریکا و مستحق محاکمه و اعدام و در همه جا حتی در برابر مجلس و در نمازهای جمعه توزیع نمودند و در برابر دانشگاه آویختند!! هم اینان بودند که چمران را لحظه‌ای رها نکردند و همه جا تا آخرین لحظه حیاتش حتی در جبهه جنگ با صدام او را تحت فشار قرار دادند که باید جبهه را رها کند!! همانها که کمترین ارزشی برای قانون اساسی و هیچ قانونی جز هوا و هوس خود قائل نیستند! نمی‌خواستند چمران در جنوب و جبهه بماند و استدلال می‌کردند که ستاد جنگ‌های نامنظم نهادی قانونی نیست!! حضور او را ریاکارانه و خلاف قانون اساسی می‌شمردند. اینان، علیرغم ادعاها و سوگندهایشان که پیرو خط امامند و با وجود آن که می‌دانستند دکتر چمران نماینده امام در شورای عالی دفاع است و با موافقت و تأیید همه جانبه امام به جبهه‌های جنگ در جنوب رفته و کار و خدمت و در سرنوشت جنگ به نفع ایران تعیین کننده است. از هیچگونه توطئه و تلاش علیه چمران و حضور وی در جبهه کوتاهی نکردند گویی برای آنها، اسلام، انقلاب، امام، همه و همه تنها در جهت تأمین و ارضاء نفسانیات خودشان ارزش و اهمیت دارد.

متأسفانه آنان هم که می‌توانستند جلوی این انحرافات را بگیرند، نگرفتند و اعتراضی هم ننمودند. برخی از کسانی که امروز تلاش دارند تا از شهادت پرافتخار سردار بزرگ اسلام دکتر چمران تغذیه سیاسی بنمایند آن روزها در برابر این توطئه‌ها و اتهامات و ترور شخصیت‌ها سکوت کردند و با سخنی و یا مصاحبه‌ای، توصیه به حق ننمودند.

اما چمران کسی نبود که از این حملات، اتهامات، سب و لعن‌ها بترسد و از میدان بدر رود و یا در برابر آنها تسلیم شود. او با بزرگواری، صداقت، فداکاری ایثارگونه و بالاخره با شهادت حماسه آفرینش،

دشمنان خود را از چپ و راست، چه آنها که ملحد و مارکسیست بودند و چه آنها که تظاهر به اسلام و انقلاب می‌کردند همه را به جای خود نشانند.

حضور او در جبهه جنگ، تنها نبرد علیه صدامیان نبود، بلکه پاسخی به همه این دشمنان کینه توز و بیمارگونه بود. شهادت چمران آنچنان پاسخ قانع کننده‌ای به همه این کینه‌توزان و تردیدکنندگان و ریاکاران و بیماران عقده‌ای بود که دیگر نتوانستند کمترین سخنی بر زبان آورند. تنها برخی از آنان با وقاحت خاص ریاکاران، ناگهان ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده و به مرثیه خوانی از او و بهره‌برداری سیاسی از شهادتش پرداختند.

چمران اگر چه نسبت به این همه ظلم‌ها و ستم‌ها و انحرافات بزرگوارانه برخورد می‌کرد اما زجری که او می‌برد بی‌حساب بود. به حدی که گاه، همچون مولایش علی(ع) سر در چاه می‌کرد و بر «روزگار» فریاد می‌زد. برخی از یادداشت‌های پراکنده او گواهی گویا از دردهای جانکاهی که بر دل سرشار از عشق و صفا و عرفانش نشسته بود، می‌باشد.

نهضت آزادی ایران اولین سالگرد شهادت این هم‌رزم و هم‌سنگر سالیان دراز، در داخل و خارج را گرامی می‌دارد و شهادت پرافتخار او را به ملت قهرمان و شهیدپرور ایران، به مردم محروم و ستمدیده لبنان، و به همه مستضعفان جهان تبریک می‌گوید و از خداوند توفیق خدمت و جلب رضای حق را طلب می‌نماید.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

نهضت آزادی ایران

۶۱/۳/۳۱